

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

دفاع از مجاهدان مقتدر حزب الله سیاست راهبردی جمهوری اسلامی

حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای خط مشی رهبر معظم و شهید انقلاب امام سید علی خامنه ای رضوان الله تعالی علیه دفاع از این مجاهدان مظلوم و مقتدر را سیاست راهبردی خود تعیین کرده، و حفظ تمامیت ارضی لبنان و رفع کامل و بدون قید و شرط تجاوز رژیم صهیونیستی را به عنوان شرط اول تفاهم نامه ی پایان جنگ تحمیلی با امریکای متجاوز قرار داده است.

۶



تحلیل حکمی آیت الله العظمی جواد آملی
از فتوحات ایران اسلامی در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه رمضان

ابر قدرت هارا مچاله کردیم

۳



شعاع حق ندارد اداره جنگ را بر عهده بگیرد

۲

استقامت مردم همه معادلات را تغییر داد

۲



میان قله ی «علی الاصول» و سنگلاخ «عقلانیت مادی»

حجت الاسلام محسن ریسمان سنج
فعال سیاسی

صفحه ۱۱

سیاست خارجی



صفحه ۵

اقتصادی



جنگ، تقویت کننده حامیان بازدارندگی اتمی

افزایش تعداد کسانی که می گویند تهران پس از ۲۳ سال فشار سنگین و به ویژه پس از دو جنگ تمام عیار در یک سال اخیر، از منظر عقلانی حق دارد به سمت سلاح هسته ای برود. امروز این صدا دیگر فقط از تهران شنیده نمی شود؛ از درون محافل آمریکایی و اسرائیلی هم بلند شده است.

ذخایر نفت آمریکا به مرز فاجعه رسید

بلومبرگ در گزارشی از کاهش بی سابقه ذخایر راهبردی آمریکا خبر داد و نوشت: جنگ علیه ایران وارد مرحله ای شده است که تهدید می کند تمام عواملی را که در پنج ماه گذشته قیمت نفت را مهار کرده بودند، از بین ببرد.

در روزهایی که غبار شبهات و اختلافات پیرامون مسئله آتش بس و پیام های راهبردی رهبر رشید انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای، فضای نخبگانی و سیاسی را دربر گرفته، بازخوانی نسبت «اراده ولی» با «ساختار نظام مردمسالاری دینی» ضرورتی دوچندان یافته است. نخست باید دانست که در نظام سیاسی اسلام، مسئله به هیچ وجه نفی اظهار نظر مسئولان و تقلیل فعالیت کارگزاران به «اجرای بفرموده» نیست.

متن کامل در صفحه ۳

خبر کوتاه

فتاح: استقامت مردم همه معادلات را تغییر داد

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام با اشاره به تحلیل‌های بین‌المللی درباره تحولات اخیر خاطرنشان کرد: همه تحلیلگران اذعان دارند که اگرچه ایران خسارت‌هایی متحمل شده، اما دشمن نیز به اهداف راهبردی خود دست پیدا نکرده است و همین موضوع، نشانه موفقیت جمهوری اسلامی در این نبرد است. فتح با اشاره به هزینه‌های تحمیل‌شده از سوی دشمن گفت: خسارت‌های اقتصادی ناشی از جنگ به مراتب سنگین‌تر از خسارت‌های نظامی است، اما با وجود این فشارها، جمهوری اسلامی توانسته با کمترین هزینه ممکن، یکی از بزرگ‌ترین نبردهای تاریخ را مدیریت کند. وی افزود: این استقامت مردم همه معادلات را تغییر داده است. در بسیاری از جنگ‌ها نخستین نشانه بحران، مهاجرت گسترده مردم است، اما در ایران چنین اتفاقی رخ نداد و حتی در روزهایی که کشور با تهدیدهای امنیتی مواجه بود، نه خبری از هجوم به فروشگاه‌ها بود و نه رفتارهای هیجانی که در بسیاری از کشورهای دیگر مشاهده می‌شود.

روانبخش: دستور صحن مجلس برنامه قبل از جنگ است

حجت‌الاسلام قاسم روان بخش نماینده قم در مجلس طی گفتگویی درباره بازگشایی صحن مجلس اظهار داشت: «انتظار این بود که پس از وقفه چندماهه و باتوجه به شرایط جدید کشور، مجلس دستور کاری متناسب با وضعیت امروز کشور تنظیم کند. اکنون کشور در شرایط ویژه قرار دارد و طبیعی است که اولویت مجلس باید رسیدگی به طرح‌هایی باشد که بتواند مشکلات مردم را در این شرایط کاهش دهد. این موارد عملاً بدون تغییر و بر اساس روال گذشته قبل از جنگ دوباره در دستور کار قرار گرفته‌اند.» وی افزود: از جمله مواردی که نمایندگان بهتر بود به آن می‌پرداختند طرح‌های مقابله با تورم و گرانی، ساماندهی بازار، کنترل افزایش قیمت انرژی و سوخت، اصلاح برنامه هفتم توسعه متناسب با شرایط جدید و همچنین طرح خروج ایران از «NPT» اشاره که انتظار می‌رفت با قید فوریت در دستور کار مجلس قرار گیرند.

سردار محبی: آمار تلفات آمریکایی‌ها بیش از ۲۰۰ نفر است

سرخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفت‌وگویی اظهار کرد: طی ۱۵ روز نبرد (از ۱۷ تیر تا ۳۱ تیر)، نیروهای مسلح ایران ۱۱ هواپیمای جنگنده و بالگرد آمریکایی را روی زمین و در حالی که در پایگاه‌های آمریکایی در منطقه مستقر بودند، منهدم کردند. وی افزود: در حملات ایران، همچنان ۱۷ پهپاد شناسایی و عملیاتی (که ۸ پهپاد آکبند بودند)، یک هواپیمای جنگنده اف ۱۵ در داخل شلتر، یک هواپیمای P۸، یک هواپیمای تراپری C۱۷، ۸ و هواپیمای سوخت‌رسان منهدم شدند. سردار محبی همچنین تصریح کرد: آمار تلفات آمریکایی‌ها بیش از ۲۰۰ نفر است.

واکنش شریعتی به روایت پزشک‌یان از جلسه خصوصی با رهبر شهید

مالک شریعتی، نماینده مجلس شورای اسلامی در فضای مجازی نوشت: جایگاه رئیس‌جمهور بسیار محترم است، اما هرگز هم‌سنگ جایگاه رهبر انقلاب نیست؛ لاقلاً قانون اساسی چنین می‌گوید. وقتی رئیس‌جمهور سخنی را از رهبری در دیدار خصوصی با خود نقل می‌کند که ممکن است دقیق نباشد، صدوسیما نمی‌تواند برخلاف دستورالعمل همیشگی‌اش، آن بخش را منتشر نماید، مگر بتواند تایید بگیرد. سایر مطالب و سخنان رئیس‌جمهور، حتی اگر مانند عذرخواهی از متحد دشمن محض هم باشد، از تلویزیون پخش می‌شود و هیچ‌کس در صدوسیما اجازه اصلاح یا تغییر ندارد. [البته خوب است مشورت بدهند] درباره سایر مسؤولان ارشد نظام هم این‌گونه عمل شده و خواهد شد.

مجری قانون علیه قانون

خبر ضدونقیض درباره ساماندهی بلاگرها در استان کهگیلویه و بویراحمد، بار دیگر مسئله تعطیلی طولانی‌مدت شورای عالی فضای مجازی را به کانون توجه رسانه‌ها بازگرداند. دبیرخانه این شورا با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن رد هرگونه مصوبه جدید، اعلام کرد که این نهاد بیش از ۱۴ ماه است تشکیل جلسه نداده است. این درحالی

است که تشکیل ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی به دستور رئیس‌جمهور و سپس محدود شدن اختیارات آن بر اساس رأی دیوان عدالت اداری، نشان‌دهنده چالش‌های موجود در ساختار مدیریتی حوزه فضای مجازی است. و پرسش اصلی اینجاست که علت مهم تعطیلی ۱۴ ماهه شورای عالی فضای مجازی چیست؟

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

صبح شنبه ۳ مرداد خبری از مصوبه‌ی جدید شورای عالی فضای مجازی منتشر شد. مسئول فعالان فضای مجازی کهگیلویه و بویراحمد در نشستی با اهالی رسانه و فعالان فضای مجازی این استان با اشاره به ضرورت ساماندهی فعالیت بلاگرها و سلبریتی‌ها، بیان کرد: «خوشبختانه فضای مجازی در مسیر تنظیم‌گری قرار گرفته و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از هفته آینده فرایند ساماندهی و بیمه فعالان این حوزه را آغاز می‌کند.»

وی افزود: «در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز این افراد به رسمیت شناخته خواهند شد و هر فردی که از قوانین و مقررات عدول کند، مطابق قانون با وی برخورد خواهد شد.»

مسئول فعالان فضای مجازی کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به پیگیری‌های انجام شده در این زمینه، تصریح کرد: «قانون مناسبی در شورای عالی فضای مجازی به تصویب رسیده و هفته گذشته نیز در گفت‌وگو با مسئولان حوزه فرهنگ و هنر

دیجیتال، بر ضرورت همکاری و همراهی همه دستگاه‌های اجرایی برای اجرای این قانون تاکید شد.»

مصوبه شورای عالی فضای مجازی برای برخورد با بلاگرها تکذیب شد

در واکنش به این انتشار این خبردبیرخانه شورای عالی فضای مجازی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: خبر مبنی بر مصوبه جدید شورای عالی فضای مجازی درخصوص بلاگرها و سلبریتی‌ها از هفته آینده، از اساس کذب است.

دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی همچنین تاکید کرده است: بیش از یک سال است که جلسه شورای عالی فضای مجازی تشکیل نشده که چنین مصوبه‌ای داشته باشد و به هیچ وجه، چنین مصوبه‌ای در دستور بررسی هم نیست.

تعطیلی شورای عالی فضای مجازی به یکسال و دو ماه رسید

نکته جالب توجه اطلاعیه شورای عالی فضای مجازی، اذعان این نهاد به تعطیلی بیش از یکساله شورای عالی فضای مجازی است. و این در حالی است که کشور در فضای جنگی و تحت حملات شدید

رسانه‌ای از سوی رسانه‌های دشمن و معاند به سرمی‌برد، و لزوم ساماندهی و مدیریت فضای مجازی به شدت احساس می‌شود. موضوعی که به نظر می‌رسد با توجه به اقدامات پزشک‌یان در تشکیل نهاد موازی با شورای عالی فضای مجازی، شائبه مانع تراشی رئیس دولت در برگزاری جلسات این نهاد تقویت می‌شود. چراکه پس از ۱۰ روز از حکم پزشک‌یان برای معاون اول خود، این ستاد ۴ جلسه برگزار کرد و این اتفاق در شرایطی رقم خورد که شورای عالی فضای مجازی در تعطیلی یک و سال و دوماه است. به تعبیری دیگر رئیس دولت اراده‌ای برای تشکیل جلسات شورای عالی فضای مجازی ندارد.

عقب نشینی دولت

از فعالیت شورای غیرقانونی اینترنت

با این حال با افزایش انتقادات و ایرادات حقوقی به تشکیل غیرقانونی این ستاد، رایی از سوی دیوان عدالت اداری در خردادماه صادر شد که در نتیجه این رای، این ستاد صرفاً در قالب ارائه پیشنهاد و گزارش کارشناسی فعالیت خواهد داشت و اختیار تصمیم‌گیری و یا صدور مصوبه در حوزه فضای مجازی نخواهد داشت.

پاسداشت

آیت‌الله کعبی: شعام از لحاظ قانونی حق ندارد اداره جنگ را برعهده بگیرد



روز گذشته آیت‌الله کعبی نماینده مجلس خبرگان رهبری پیرامون رفتار غیرقانونی شعام طی سخنانی اظهار داشت: شورای عالی امنیت ملی، از لحاظ قانونی و شرعی حق ندارد فرماندهی جنگ را برعهده بگیرد. نماینده مجلس خبرگان تصریح کرد که فرماندهی کل قوا برعهده ولی فقیه است. آیت‌الله کعبی در ادامه با بیان اینکه حرف ولی فقیه فصل الخطاب است تاکید کرد: اگر قرار است شورای عالی جنگ تشکیل شود، این شورا تحت هدایت و تدابیر نظامی فرمانده کل قوا باید باشد و نیروهای مسلح صرفاً باید به فرمان فرمانده کل قوا عمل کنند. به گزارش نوبنیاد؛ اصول ۵ و ۵۷ و ۱۱۳ و ۱۷۶ به روشنی بر این تاکید عضو مجلس خبرگان رهبری دلالت دارند. در بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی «فرماندهی کل نیروهای مسلح» صراحتاً یکی از وظایف و اختیارات رهبر مقرر شده است. این مسئولیت رهبری، فرماندهی رهبر بر نیروهای مسلح آن است که نیروهای مسلح، به عنوان بخشی از قوه مجریه، مستقیماً زیرمجموعه رهبری (اصول ۶۰ و ۱۱۳) و در تابعیت کامل فرمانده کل هستند و به صورت سلسله‌مراتبی در چارچوب تدابیر و فرامین و ابلاغیه‌های ایشان ایفای وظیفه می‌کنند. لذا اوامر رهبری برای آنها شرعاً و قانوناً، بر مصوبات و تصمیمات سایر نهادها و مراجع، ترجیح و اولویت دارد.

یادداشت

میان قله‌ی «علی‌الاصول» و سنگلاخ «عقلانیت مادی»

حجت‌الاسلام محسن ریسمان‌سنگ
فعال سیاسی

در روزهایی که غبار شبهات و اختلافات پیرامون مسئله آتش بس و پیام‌های راهبردی رهبر رشید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌عزیز مجتبی خامنه‌ای، فضای نخبگانی و سیاسی را دربرگرفته، بازخوانی نسبت «اراده ولی» با «ساختار نظام مردمسالاری دینی» ضرورتی دوچندان یافته است. نخست باید دانست که در نظام سیاسی اسلام، مسئله به هیچ وجه نفی اظهارنظر مسئولان و تقلیل فعالیت کارگزاران به «اجرای بفرموده» نیست. تضارب آرا و ابراز عقیده، نه تنها محلّ ولایت نیست، بلکه از ارکان پویایی جامعه ولایی است. اما باید توجه داشت وقتی ظرف تحقق جامعه‌ی طراز اسلامی، «مردمسالاری دینی» است، ولیّ خدا آگاهانه از درهم شکستن ساختارهای برآمده از اراده مردم به صورت نظام سیاسی کشور و مخالفت با آراء منتخبین مردم پرهیز می‌کند. رهبری در این مدل، نه یک حاکمیت موازی، بلکه نیروی هدایت‌گری است که می‌کوشد اراده‌ی عمومی را به سمت عقلانیت الهی سوق دهد.

در این میان برخی تصور می‌کنند چون امور کشور ذیل تدابیر ولیّ جامعه اداره می‌شود جامعه دائماً مشمول سنت امداد الهی خواهد بود؛ درحالی که سنت‌های الهی تابع نظام محاسبات و کنشگری مجموعه جامعه است و دقیقاً در امتداد تصمیم و مجاهدت در پیروی از عقلانیت الهی ولی فقیه است که نصرت الهی تجلی می‌یابد.

در این نگاه، تصمیمات رهبری همواره میان دو لبه‌ی حساس حرکت می‌کند: از یک سو حفظ «علی‌الاصول»‌های بنیادین و عقلانیت توحیدی، و از سوی دیگر رعایت «همراهی با ساختار» و ظرفیت واقعی جامعه.

مرور تاریخ، از صلح حدیبیه و حکمیت صفین صلح تحمیلی امام حسن (ع) تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نمونه‌های متأخر مانند آتش بس‌های جنگ‌های ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه اخیر، این پرسش را جلوی روی ما قرار می‌دهد: آیا این صلح‌ها برآمده از هماهنگی کامل ساختار با عقلانیت الهی رهبری جامعه بوده است؟ یا نتیجه‌ی ناگزیر عدول از قله‌ی «علی‌الاصول» به جهت همراهی با ساختار و همراهانی است که توان درک قله یا اراده‌ی صعود به آن را نداشتند؟

واقعیت تلخ تاریخی نشان می‌دهد هرگاه نخبگان و مسئولان ساختارهای رسمی، محاسبات خود را صرفاً بر مبنای «عقلانیت مادی» و چرتکه‌اندازی تعداد نفرات و امکانات نظامی و پر بودن و خالی بودن انبار کالاهای اساسی بنا کردند و از قله‌ی علی‌اصول پایین آمدند، ولیّ خدا برای عبور دادن جامعه با کمترین آسیب از مسیرهای سنگلاخی که نتیجه این عقلانیت و دور شدن از مسیر امداد الهی است، به «رضایت ثانوی» و حمایت از اتحاد کشور تن داده است.

تاریخ معلم خوبی است؛ با نمایش احوال گذشتگان به ما آموزد نه تمام صلح‌ها تحمیلی است و نه همیشه همه چیز طبق نظر رهبری جامعه پیش رفته است. و البته به ما می‌آموزد که هزینه فرود آمدن از قله‌ی آرمان به دردی محاسبات مادی، اگرچه در کوتاه مدت ممکن است «تدبیر» نام بگیرد، اما در درازمدت جامعه را با چالش‌هایی عمیق تر روبرو خواهد کرد. راه سلامت، نه در تحمیل هزینه به ولی، بلکه در ارتقای ساختار برای همگامی با تراز «علی‌الاصول» است.

پرچم آمریکا زمین بخورد، پرچم کشورها و جریان‌های تابع او هم بر زمین خواهد افتاد



آیت‌الله میرباقری عضو مجلس خبرگان رهبری اظهار داشت: کسانی که دلبسته آمریکا و غرب هستند، باید بدانند سنت خدا این است که وقتی دشمن شکست می‌خورد و پرچمش فرو می‌افتد، اگر ما هم دلبسته

دشمن شویم، با همان دشمن سقوط خواهیم کرد. امروز خود آمریکا در مسیر افول قرار گرفته و می‌خواهد دیگران را هم با خودش پایین بکشد. پس باید صف خودمان را از او جدا کنیم. هرکس کنار آمریکا بایستد، باید بداند وقتی عذاب الهی فرا برسد، پرچم او هم همراه پرچم آمریکا فرو خواهد افتاد.

وی افزود: این جریان را در دنیای اسلام هم می‌بینیم. در برخی کشورهای اسلامی، به ویژه در بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و جاهای دیگر، برای مسئولان غربی فرش قرمز پهن می‌کنند، از آن‌ها استقبال می‌کنند و با آن‌ها همراهی دارند. در ظاهر هم

مسلمان هستند، اما منافعشان را در بقای نظام سرمایه‌داری غرب می‌بینند. وی افزود: بقای این‌ها به بقای آمریکا است اما وعده الهی این است که اگر خدا بخواهد، هم پرچم آمریکا فرو خواهد افتاد و هم پرچم کسانی که حیانتشان را به او گره زده‌اند؛ یعنی اگر آمریکا ضربه بخورد، جریان‌های تابع و دلبسته او هم ضربه خواهد خورد و آمریکا این‌ها را هم با خودش پایین خواهد کشید و پرچمشان هم فرو خواهد افتاد.

به گفته آیت‌الله میرباقری، مبارزه ما با این جریان، در امتداد مبارزه ما با آمریکا قرار دارد؛ چون وقتی مرکز این قدرت آسیب ببیند، وابستگانش هم آسیب خواهند دید.

تحلیل حکمی آیت‌الله العظمی جوادی آملی از فتوحات ایران اسلامی در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه رمضان

ابر قدرت‌ها را مچاله کردیم

حضرت آیت‌الله جوادی آملی مفسر برجسته قرآن و استاد حکمت در حوزه علمیه قم که اخیراً نماز عارفانه و متفاوت ایشان بر پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب و خانواده شهید ایشان در مسجد جمکران قم، مورد استقبال گسترده شیعیان و مسلمانان جهان قرار گرفته بود، در سخنانی به تبیین پیروزی‌های انقلاب اسلامی پرداخته و بر ضرورت حمایت از رهبر انقلاب و حفظ وحدت تأکید کرد.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

دو ابر قدرت بیاستیم و این یک معجزه است.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی با استناد به آیات قرآن کریم و بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام، عزت امروز جمهوری اسلامی ایران را مرهون اسلام، ایمان مردم و مجاهدت‌های خالصانه مؤمنان دانست و خاطرنشان

کرد: قرآن کریم یادآور می‌شود که روزگاری مستکبران جهان، مسلمانان را خوار و تحقیر می‌کردند، اما خداوند به برکت اسلام، آنان را به عزت رساند. ملت ایران نیز که زمانی از سوی قدرت‌های استکباری، به‌ویژه آمریکا، مورد تحقیر قرار می‌گرفت، امروز به برکت اسلام، حضور آگاهانه مردم در صحنه و ایمان و ایستادگی آنان، به عزت، اقتدار و آبرو دست یافته است.

آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به جایگاه والای رهبر شهید، تأکید کردند: ایشان حقی بزرگ برگردن ما دارد؛ شهادت به معنای خاص شامل ایشان است و آنجا که حفظ استقلال مملکت و اقتصاد و حریم ایران را در نظر بگیریم، شهادت به معنای عام شامل ایشان است.

معظم‌له همچنین با قدرانی از حضور گسترده و استقامت مردم در صحنه‌های مختلف، این حضور را جلوه‌ای از نصرت الهی دانستند و با استناد به آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي آتَىكَ بَطْشَهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»، تأکید کردند: این مردم را خداوند به میدان آورده است، مگر می‌شود چندین ماه، زن و مرد اینچنین در میدان حاضر

روز گذشته ویدئویی از سخنان آیت‌الله العظمی جوادی آملی در دیدار اخیر جمعی از ائمه جمعه و جماعات استان تهران با ایشان که اخیر برگزار شده، منتشر شد. آیت‌الله جوادی آملی در این دیدار با طرح این سوال که هیچ فکر می‌کردیم روزی برسد که دو ابر قدرت دنیا رو مچاله کنیم، تأکید کرد: آیا این معجزه نیست اگر معجزه نیست پس چیست؟ وی همچنین با ذکر خاطره‌ای از هفتاد سال قبل در حوزه علمیه قم و همزمان با حمله رژیم صهیونیستی به کشور مسلمان مصر با بیان اینکه هیچ کس فکر نمی‌کرد که آمریکا و اسرائیل به ذلت بیافتند. اظهار داشت: من در ۷۰ سال قبل، از حوزه پربرکت مدرسه مروی منتقل به مدرسه فیضیه شدم. در ایام حمله اسرائیل به مصر بود و من در حال قدم زدن در جلوی کتابخانه مدرسه فیضیه تا ببینم اقای بروجرودی چه می‌گویند و چیکار می‌خواهند کنند. و همه متحیر بودند که آیا آقای بروجرودی مجاز است یک مجلس دعوایی برای مصری‌های مسلمان بگیرد که گرفتار اسرائیل نشوند یا نه!

آیت‌الله جوادی آملی با بیان اینکه این وضعیت ۷۰ سال گذشته ما بود که ما را به حساب نمی‌آوردند، تصریح کرد: اکنون به جایی رسیدیم که دو ابر قدرت حمله کرده است و هیچ فکر نمی‌کردیم که از دعا به این درجه برسیم و مقابل



باشند، این مردان و زنان با ایمان، «جنود الرحمن» هستند و همین ایمان و حضور آگاهانه، پشتوانه اصلی اقتدار و پایداری جامعه اسلامی به شمار می‌رود. آیت‌الله العظمی جوادی آملی با تأکید بر ضرورت قدرانی از مردم و مسئولان، اظهار داشتند: امروز وظیفه همگان، حق‌شناسی نسبت به مردمی است که با حضور و ایستادگی خود از نظام اسلامی حمایت کرده‌اند و نیز قدرانی از دولت و خدمتگزاران صادق این نظام است.

ایران ۲ قدرت جهانی را رسوا کرد

آیت‌الله‌عزیز جوادی آملی هفته گذشته همچنین در دیدار کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه، با تسلیت این ایام و گرامیداشت یاد رهبر شهید بزرگوار و شهدای اخیر، اظهار کرد: این شهیدان، افزون بر آنکه به دین، آبرو و عزت بخشیدند، برای ایران و پرچم جمهوری اسلامی نیز افتخار آفریدند و نشان دادند که نصرت الهی، فراتر از محاسبات ظاهری است. هیچ کس تصور نمی‌کرد ایران این گونه در برابر این دو قدرت جهانی بایستد و آنان را رسوا کند.

رشد پر قدرت بورس با ورود پول حقیقی



معاملات بازار سهام در ادامه روند مثبت روز شنبه، دیروز (یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵) نیز با تداوم برتری تقاضا و رشد قابل توجه شاخص‌های سهامی آغاز شد؛ به طوری که شاخص کل بورس تهران، به عنوان نماگر بازار، ۲۰۲ درصد رشد را ثبت کرد و دوباره به کانال ۵ میلیون واحد صعود کرد. در آغاز معاملات، بیش از ۹۰ درصد نمادها سبزپوش شدند. ارزش معاملات خرد روز گذشته به ۲۳ هزار و ۳۳ میلیارد تومان رسید. یکی از مهم‌ترین اتفاقات معاملات یکشنبه، ورود پول توسط سرمایه‌گذاران حقیقی به بازار سهام بود، به طوری که حقیقی‌ها ۶۱۹۶ میلیارد تومان پول وارد چرخه سهام کردند. البته در سه ماه جاری، بازار به طور متوسط روزانه شاهد ورود پول ۹۹۶ میلیارد تومانی بوده است. در معاملات دومین روز هفته، بیشترین ورود

پول حقیقی به گروه‌های فرآورده‌های نفتی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اختصاص پیدا کرد. افزون بر این، مجموع ورود سرمایه حقیقی‌ها از ابتدای سال به حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. تجربه نیز نشان داده است که تداوم ورود پول حقیقی‌ها، در کنار حفظ ارزش معاملات، می‌تواند زمینه‌ساز استمرار روندهای صعودی باشد؛ هرچند پایداری این روند در گرو تداوم تقاضا و عدم شکل‌گیری فشار عرضه در روزهای آینده خواهد بود.

مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به محدوده ۲۴۶ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۶ هزار و ۹۷۸ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. شاخص کل بورس تهران

با ۱۰۷ هزار و ۷۵۶ واحد افزایش، معادل ۲۰۲ درصد، به ۵ میلیون و ۲ هزار و ۲۰۹ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۲۹ هزار و ۶۵۸ واحدی (۲۰۲ درصدی)، در محدوده یک میلیون و ۳۹۳ هزار و ۵۷۹ واحد قرار گرفت. شاخص کل فرابورس نیز ۷۷۱ واحد رشد کرد و در ارتفاع ۳۹ هزار و ۷۸۷ واحد قرار گرفت.

معاملات صندوق‌های طلا با نوسان منفی ۱ تا ۲۰۵ درصدی و صندوق‌های نقره با منفی ۲ درصد آغاز شد. با این حال، صندوق‌های طلا در محدوده منفی نیم تا ۲ درصد و با ورود بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان به کار خود پایان دادند، اما صندوق‌های نقره تا پایان معاملات به محدوده یک درصد مثبت رسیدند و ۱۳۹ میلیارد تومان پول حقیقی جذب کردند.

گزارش دیوان محاسبات و بازنگشتن دلارهای صادراتی و ترانزیتی نشان می‌دهد؛

آشفته‌گی ارزی در سایه ترک فعل بانک مرکزی

بازنگشتن ارزی‌های صادراتی و ترانزیتی‌ها، یکی از علل آشفتگی ارزی به شمار می‌روند. با این حال، قانون برنامه هفتم، بانک مرکزی را مکلف کرده است تا سامانه جامع اطلاعات ارزی را ایجاد کند تا تمامی اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و جریان درآمدهای ارزی اشخاص حقیقی و حقوقی، از جمله صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی و خصوصی، در آن ثبت شود. اما دیروز دیوان محاسبات از ترک فعل بانک مرکزی در ایجاد سامانه جامع اطلاعات ارزی خبر داد.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

وظیفه بانک مرکزی، نظارت بر بازار ارز است

مهدی طغیانی، نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: دولت باید تمام ظرفیت‌های نظارتی خود را به کار گیرد تا زمینه برای ثبات اقتصادی مهیا شود و نگذار سوداگران و مافیای در این وضعیت بحرانی جولان بدهند و نظم اقتصادی را برهم بزنند. اکنون بازار ارز باید با جدیت نظارت شود و این وظیفه بانک مرکزی است؛ چراکه اگر این اتفاق نیفتد، تأثیر نوسانات نرخ ارز بر اقلام اساسی نمایان خواهد شد و معیشت مردم دچار اختلال می‌شود.

برخی ترانزیتی‌هایی که در بازگرداندن ارز کوتاهی کرده بودند، خبر داد و تأکید کرد: درآمد ارزی کشور از محل فروش نفت و صادرات کالا تأمین می‌شود و در شرایط تحریم، ضروری است صادرکنندگان، ارز حاصل از صادرات را یا در اختیار بانک‌ها و صرافی‌ها قرار دهند یا برای واردات کالا مورد استفاده قرار دهند. البته چندی پیش خدائیان گفته بود که ۳۰۵۲ شخص حقیقی و حقوقی حدود ۸۸ میلیارد یورو ارز صادراتی را برنگردانده‌اند. این رقم از کل بودجه امسال کشور بیش‌تر است.

ورود دستگاه قضایی؛ بازگشت ارز تا بازداشت متهمان

علی صالحی، دادستان تهران، ۹ تیرماه امسال اعلام کرد که در نتیجه رسیدگی‌های متمرکز دادسرای ویژه جرائم اقتصادی، تاکنون بیش از ۷ میلیارد یورو ارز صادراتی به چرخه اقتصادی کشور بازگشته و وضعیت بیش از ۲۰ میلیارد یورو بدهی ارزی تعیین تکلیف شده است. وی همچنین روز جمعه گذشته (۲ مرداد ۱۴۰۵) اعلام کرد که برای مدیران شرکت‌های ترانزیتی ۵۹ پرونده تشکیل شده که در ۴۳ پرونده، قرار جلب دادرسی صادر شده است. همچنین ۲۲ متهم این پرونده‌ها بازداشت و روانه زندان شده‌اند و برای ۱۵ نفر نیز اعلان قرمز پلیس اینترپل صادر شده است.

گره اطلاعات ارزی کجاست؟

با این حال، در روزهای گذشته اختلاف میان بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره اطلاعات مربوط به رفع تعهدات ارزی بالا گرفت. بانک مرکزی اعلام کرد که اطلاعات شرکت‌هایی که رفع تعهد ارزی انجام نداده‌اند، در اختیار وزارت صمت است؛ اما وزارت صمت اعلام کرد اطلاعات دقیق مربوط به تعهدات ارزی و عملکرد صادرکنندگان نزد بانک مرکزی قرار دارد.

در همین حال، دیوان محاسبات روز گذشته از ترک فعل بانک مرکزی در ایجاد زیرساخت‌های سامانه جامع اطلاعات ارزی خبر داد. براساس ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم، تمامی دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها، صادرکنندگان دولتی و خصوصی و سایر اشخاص مشمول موظف‌اند اطلاعات دارایی‌ها و جریان درآمدهای ارزی خود را در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. دیوان محاسبات تأکید کرد: با وجود

تصویب و ابلاغ شیوه‌نامه اجرایی این قانون، بانک مرکزی تاکنون اقدام مؤثر و نتیجه‌بخشی برای طراحی و استقرار زیرساخت‌های لازم انجام نداده است. این نهاد نظارتی، با اشاره به اهمیت این سامانه در مدیریت منابع ارزی کشور، گزارش ترک فعل بانک مرکزی را برای رسیدگی به دادسرای دیوان محاسبات ارسال کرده است.

خلأ در قلب حکمرانی ارزی

روح‌الله یزدخواه، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز در همین زمینه گفت: بررسی‌های دیوان محاسبات نشان می‌دهد بانک مرکزی که مکلف به طراحی و استقرار زیرساخت دریافت این اطلاعات بوده، تاکنون این تکلیف را اجرا نکرده است؛ این یعنی حتی اگر صادرکنندگان و صرافی‌ها بخواهند اطلاعات درآمد ارزی خود را به بانک مرکزی گزارش دهند، زیرساختی برای ثبت این اطلاعات وجود ندارد. سامانه جامع اطلاعات ارزی قرار است این امکان را برای بانک مرکزی فراهم کند که تصویری جامع، برخط و دقیق از وضعیت منابع ارزی کشور در اختیار داشته باشد. اما نبود این سامانه، خلئی است که آثار آن به طور مستقیم بر مدیریت بازار ارز نمایان می‌شود.

پرونده اخیر ترانزیتی‌های نیز اهمیت وجود چنین سامانه‌ای را بیش از گذشته آشکار کرد؛ زیرا نبود نظام شفاف ثبت اطلاعات، ضعف نظارت و فقدان سامانه جامع رهگیری، زمینه بروز تخلفات را فراهم کرده است. هرچند برخورد قضایی با متخلفان و بازگرداندن بخشی از منابع ارزی اقدامی ضروری است، اما نمی‌تواند جایگزین ایجاد سازوکارهای پیشگیرانه شود. در شرایطی که کشور با محدودیت‌های ارزی، تحریم‌های بانکی و فشار بر منابع ارزی روبه‌روست، مدیریت دقیق اطلاعات به اندازه مدیریت خود منابع اهمیت دارد.

ماجرای ترانزیتی‌ها، اختلاف دستگاه‌ها درباره اطلاعات رفع تعهدات ارزی و حجم بالای ارزهای بازنگشته نشان می‌دهد که خلأ اصلی تنها کمبود ارز نیست، بلکه نبود یک نظام جامع اطلاعاتی برای مدیریت، نظارت و پاسخ‌گویی درباره این منابع است. از این منظر، اجرای کامل تکلیف قانونی بانک مرکزی در ایجاد سامانه جامع اطلاعات ارزی، نه صرفاً یک الزام اداری، بلکه پیش‌شرط ارتقای حکمرانی ارزی، افزایش شفافیت، کاهش تخلفات و تقویت ثبات بازار ارز به شمار می‌رود.

موج خبر

ضرورت ورود قوه قضائیه به واگذاری ایران خودرو

واگذاری ایران خودرو به شرکت کروز همچنان با واکنش‌ها و ابهام‌های متعددی همراه است. نمایندگان مجلس نسبت به این واگذاری و پیامدهای احتمالی آن برای صنعت خودرو هشدار داده و خواستار ورود جدی تردهستگاه‌های نظارتی و قوه قضائیه به این موضوع شده‌اند. مصطفی طاهری، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با انتقاد از روند واگذاری ایران خودرو به شرکت کروز، گفت: در این زمینه چند پرونده برای قوه قضائیه ارسال کرده‌ایم و این پرسش جدی مطرح است که چرا ایران خودرو به کروز واگذار شده است. وی با اشاره به احکام مندرج در قانون برنامه هفتم، افزود: براساس این قانون، اگر یک خودرو ساز در شرکتی دارای تعارض منافع باشد، حق سهامداری در آن مجموعه را ندارد. با این حال، امروز شاهد واگذاری ایران خودرو به مجموعه‌ای هستیم که از نظر ما، موضوع تعارض منافع درباره آن قابل طرح است. این نماینده مجلس تأکید کرد: به نظر می‌رسد قوه قضائیه در این دوره جدید باید با جدیت بیشتری به این موضوع ورود کند. ما نیز چندین بار این مسئله را مطرح کرده‌ایم، زیرا واگذاری ایران خودرو به کروز، تحت عنوان خصوصی‌سازی، تنها محدود به یک بنگاه نیست و می‌تواند تبعاتی برای صنعت خودرو، به ویژه سایپا، به همراه داشته باشد.

طاهری ادامه داد: کروز تأمین‌کننده حدود ۲۰ درصد قطعات سایپاست و از سوی دیگر، ایران خودرو رقیب مستقیم سایپا به شمار می‌رود. در چنین شرایطی، وقتی یک مجموعه در زنجیره تأمین رقیب نیز نقش دارد، این نگرانی به وجود می‌آید که امکان اثرگذاری بر روند تولید و تأمین قطعات فراهم شود. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: ممکن است در ادامه این ادعا مطرح شود که به دلیل کمبود قطعه، خودروها ناقص مانده‌اند و سپس گفته شود چون یک مجموعه خصوصی شده، تولید آن افزایش یافته و مجموعه دیگر به دلیل مشکلات ساختاری، عملکرد ضعیف‌تری داشته است؛ در نتیجه، زمینه برای واگذاری‌های بعدی نیز فراهم شود.

او با اشاره به موضوع قیمت‌گذاری خودرو گفت: اکنون ایران خودرو در اختیار مجموعه‌ای قرار گرفته که خود قطعه‌ساز است و این مسئله در بحث قیمت تمام‌شده خودرو ابهام ایجاد می‌کند. وقتی همان مجموعه فاکتور تأمین قطعات را ارائه می‌دهد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سازوکار نظارتی کافی برای بررسی دقیق قیمت‌ها و جلوگیری از گران‌نمایی وجود دارد یا خیر. وی تأکید کرد: در حال حاضر، نگرانی اصلی این است که در چنین فرایندی، نظارت مؤثر و مستقلی بر فاکتورها، قیمت قطعات و شیوه قیمت‌گذاری خودرو وجود نداشته باشد و همین مسئله می‌تواند به بروز مشکلات بیشتر در صنعت خودرو منجر شود.

تبعات اقتصادی جنگ با ایران ادامه دارد؛

فرار سرمایه‌گذاران از بازار بدهی آمریکا

شوگ ناشی از جنگ و جهش قیمت نفت، تنها بازار انرژی را ملتهب نکرده، بلکه اکنون بازارهای مالی آمریکا را نیز تحت فشار قرار داده است. خروج بی‌سابقه ۷.۱ میلیارد دلار سرمایه از صندوق‌های سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه شرکتی با رتبه اعتباری بالا، افزایش بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا، رشد انتظارات تورمی و بالا رفتن

احتمال افزایش دوباره نرخ بهره توسط فدرال رزرو، نشانه‌هایی است که از سنگین‌تر شدن هزینه‌های اقتصادی جنگ برای واشنگتن حکایت دارد؛ هزینه‌هایی که می‌تواند یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های دولت آمریکا برای جلوگیری از تداوم درگیری‌ها و حرکت به سمت آتش‌بس باشد.



حمید کمار

روزنامه‌نگار

بازارهای مالی آمریکا در هفته‌های اخیر واکنشی کم‌سابقه به تحولات ژئوپلیتیکی نشان داده‌اند. سرمایه‌گذاران که نگران پیامدهای افزایش قیمت نفت بر تورم و سیاست پولی هستند، سرمایه خود را از بخشی از بازار اوراق قرضه خارج کرده‌اند. هم‌زمان، معامله‌گران احتمال می‌دهند فدرال رزرو برای مهار موج جدید تورم، ناچار به افزایش دوباره نرخ بهره شود؛ موضوعی که می‌تواند هزینه استقراض را در سراسر اقتصاد آمریکا افزایش دهد و رشد اقتصادی این کشور را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کند.

رکورد خروج سرمایه از بازار اوراق

رویتزر روز گذشته گزارش داد که صندوق‌های سرمایه‌گذاری در اوراق بدهی شرکت‌های کم‌ریسک در آمریکا (Investment-grade corporate bonds) در هفته منتهی به ۲۲ ژوئیه (چهارشنبه ۳۱ تیر)، با خروج خالص ۷.۱ میلیارد دلار سرمایه مواجه شدند؛ رقمی که بزرگ‌ترین خروج هفتگی سرمایه در تاریخ این صندوق‌ها به شمار می‌رود. این در حالی است که تنها در روز ۲۰ ژوئیه نیز این صندوق‌ها رکورد ۸.۲ میلیارد دلار خروج سرمایه در یک روز را ثبت کردند. علت اصلی این اتفاق، افزایش بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا و افت قیمت

اوراق بدهی شرکتی عنوان شده است. اوراق بدهی شرکت‌های کم‌ریسک معمولاً سرسیدهای بلندتر و نرخ سود ثابت‌تری دارند و به همین دلیل، نسبت به افزایش نرخ‌های بهره بسیار حساس هستند. در نتیجه، با بالا رفتن بازده اوراق دولتی، ارزش این اوراق کاهش یافته و سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند دارایی‌های خود را از این بخش خارج کنند. در مقابل، صندوق‌های سرمایه‌گذاری در اوراق پریسک و همچنین صندوق‌های وام‌های اهرمی با ورود سرمایه مواجه شدند؛ زیرا این ابزارها به دلیل نرخ سود بالاتر یا نرخ بهره شناور، در برابر افزایش نرخ‌های بهره آسیب‌پذیری کمتری دارند.

نفت گران؛ موتور تورم آمریکا

ریشه اصلی این تحولات را باید در بازار نفت جست‌وجو کرد. قیمت نفت طی هفته‌های اخیر نزدیک به ۴۰ درصد افزایش یافته و از مرز ۱۰۰ دلار برای هر بشکه عبور کرده است. حملات حوثی‌ها به نفتکش‌ها در دریای سرخ و نگرانی‌ها درباره گسترش تنش‌های نظامی علیه ایران، مهم‌ترین عوامل این جهش قیمتی عنوان شده‌اند. افزایش قیمت نفت، به سرعت هزینه سوخت، حمل‌ونقل و تولید را بالا می‌برد و از این مسیر، تورم را در اقتصاد آمریکا تقویت می‌کند. به همین دلیل، بازارها اکنون بر این باورند که روند نزولی تورم ممکن است متوقف شود و

حتی فشارهای قیمتی دوباره افزایش یابد. بازتاب این نگرانی‌ها در بازارهای مالی نیز کاملاً مشهود است. معامله‌گران احتمال افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو در نشست آینده را بیش از دو برابر کرده‌اند و اکنون این احتمال به حدود یک‌سوم رسیده است.

زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی جنگ

افزایش احتمال رشد نرخ بهره تنها یک تصمیم پولی نیست، بلکه زنجیره‌ای از آثار اقتصادی را به دنبال دارد. بالا رفتن نرخ بهره به معنای افزایش هزینه تأمین مالی برای شرکت‌ها، گران‌تر شدن وام‌های مسکن و مصرفی، کاهش سرمایه‌گذاری، افت ارزش اوراق قرضه و در نهایت، کندتر شدن رشد اقتصادی است. هم‌زمان، فروش گسترده اوراق خزانه باعث شده بازده اوراق ۱۰ ساله دولت آمریکا به بالاترین سطح خود از ژانویه ۲۰۲۵ برسد. افزایش بازده اوراق دولتی، اگرچه برای خریداران جدید جذاب‌تر است، اما هزینه استقراض دولت آمریکا را نیز افزایش می‌دهد و می‌تواند بر کسری بودجه و هزینه‌های مالی دولت اثر بگذارد. در چنین شرایطی، شوگ ناشی از جنگ دیگر تنها یک مسئله امنیتی یا ژئوپلیتیکی نیست، بلکه مستقیماً به یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان آمریکا تبدیل شده و بر بازار سرمایه، بازار بدهی، نرخ بهره و انتظارات تورمی سایه انداخته است.

نبض بازار

۳ محصول جدید لبنی یارانه‌دار شد

کارگروه امنیت غذایی و تنظیم بازار کالاهای کشاورزی، قیمت مصوب سه محصول لبنی پرمصرف را تعیین و این اقلام را به فهرست محصولات لبنی پرمصرف اضافه کرد. با این تصمیم، تعداد اقلام لبنی مشمول این فهرست به هفت قلم رسید. براساس صورت جلسه کارگروه امنیت غذایی و تنظیم بازار کالاهای کشاورزی، مقرر شد مطابق تصمیمات کمیته بازرگانی ذیل این کارگروه، انجمن صنایع لبنی گزارش‌های دوره‌ای مربوط به میزان تولید و عرضه اقلام مورد نظر را به تفکیک کارخانه‌ها، به حوزه بازرسی و نظارت بر کالاهای سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و همچنین معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی ارسال کند. بر این اساس، سه قلم جدید شامل شیربظری یک لیتری با ۲.۵ درصد چربی به قیمت ۱۲۰ هزار تومان، شیرنابلونی ۹۰۰ گرمی با ۲.۵ درصد چربی به قیمت ۹۱ هزار تومان و ماست دبه‌ای ۲ کیلوگرمی با ۲.۵ درصد چربی به قیمت ۲۶۵ هزار تومان، به فهرست قبلی اقلام یارانه‌ای لبنیات اضافه شدند.

هشدار شورای رقابت

به ترفند خودروسازان

شورای رقابت در هشتصدوسی و ششمین جلسه خود، در ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، اصلاحاتی را در مصوبه ۴۷۳ مربوط به حوزه خودرو تصویب کرد و تبصره‌ای جدید به آن افزود. این شورا با اشاره به تغییرات قابل توجه شرایط اقتصادی کشور، نوسانات شدید نرخ ارز و وابستگی بالای تولید خودروهای مونتاژی به ارز، خودروسازان مونتاژی را از دامنه شمول این مصوبه خارج کرد. پس از این تصمیم، ایران خودرو و سایپا نیز این مصوبه را در فرایندهای فروش خود اجرا کردند. این دو خودروساز محصولات خود را به جای استفاده از عنوان پیش‌فروش، در قالب قراردادهای مشارکت در تولید به فروش رساندند؛ قراردادهایی که در آن‌ها مشتری بخشی از بهای خودرو را هنگام ثبت‌نام پرداخت می‌کند، اما قیمت نهایی خودرو بر اساس نرخ روز تحویل محاسبه خواهد شد. در همین زمینه، شورای رقابت طی نامه‌ای خطاب به خودروسازان، نسبت به نحوه اطلاع‌رسانی قراردادهای «مشارکت در تولید» هشدار داد و خواستار آن شد که در فراخوان‌ها و قراردادهای مربوط به این شیوه فروش، به صراحت قید شود که مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت مشمول این قراردادها نیست. براساس بخشنامه جدید شورای رقابت، خودروسازان موظف شده‌اند در قراردادهای مشارکت در تولید، به‌طور شفاف، عدم شمول مصوبه ۴۷۳ در چرخ کنند تا خریداران درباره نوع قرارداد و حقوق قانونی خود دچار ابهام نشوند. شورای رقابت با تأکید بر ضرورت شفافیت در اطلاع‌رسانی، اعلام کرد که خودروسازان نباید مشتریان را نسبت به ماهیت قراردادهای بی‌اطلاع نگه دارند. براساس دستورالعمل جدید، شرکت‌های خودروساز مکلف‌اند در تمامی فراخوان‌های ثبت‌نام و متن قراردادهای، به صورت صریح اعلام کنند که قرارداد از نوع «مشارکت در تولید» است و مشمول حمایت‌های پیش‌بینی شده در مصوبه ۴۷۳، که ویژه قراردادهای پیش‌فروش است، نخواهد بود. البته این شورای رقابت در نامه خود با اشاره به مصوبه ۸۳۶ اردیبهشت امسال، تأکید کرده است که مصوبه ۴۷۳ تنها درباره پیش‌فروش خودروهای تولید داخل ملاک عمل بوده و در موضوع پیش‌فروش خودروهای مونتاژی ملاک اجرا نیست. بررسی نامه شورای رقابت نشان می‌دهد که این شورا در شرایط فعلی، به جای الزام خودروسازان به اصلاح یا توقف قراردادهای مشارکت در تولید، تنها به تأکید بر شفاف‌سازی اکتفا کرده است.

چرا آمریکا به دنبال آتش‌بس است؟

ادامه تنش‌های نظامی می‌تواند هزینه‌های قابل‌توجهی برای اقتصاد آمریکا ایجاد کند. هرچه درگیری‌ها طولانی‌تر شود، احتمال ماندگاری قیمت‌های بالای نفت، افزایش هزینه انرژی، تشدید تورم و در نتیجه، تداوم سیاست‌های پولی انقباضی بیشتر خواهد شد. از این منظر، تلاش واشنگتن برای کاهش تنش‌ها و حرکت به سمت آتش‌بس را می‌توان علاوه بر ملاحظات امنیتی و سیاسی، از زاویه منافع اقتصادی نیز تحلیل کرد. کاهش التهاب در بازار انرژی می‌تواند فشار بر قیمت نفت را کم کند، انتظارات تورمی را تعدیل کند و احتمال افزایش دوباره نرخ بهره را کاهش دهد؛ مسیری که به ثبات بیشتر بازارهای مالی و کاهش هزینه‌های اقتصادی برای آمریکا منجر خواهد شد. در مجموع، واکنش بازارهای مالی نشان می‌دهد که هزینه‌های اقتصادی جنگ به متغیری مهم در محاسبات سیاست‌گذاران آمریکایی تبدیل شده و ادامه تنش‌ها می‌تواند فشار مضاعفی بر اقتصاد این کشور وارد کند.

ذخایر نفت آمریکا به مرز فاجعه رسید

بلومبرگ در گزارشی از کاهش بی‌سابقه ذخایر راهبردی آمریکا خبر داد و نوشت: جنگ علیه ایران وارد مرحله‌ای شده است که تهدید می‌کند تمام عواملی را که در پنج ماه گذشته قیمت نفت را مهار کرده بودند، از بین ببرد. با عبور قیمت نفت از ۹۶ دلار در هر بشکه و افزایش قیمت بنزین در آمریکا به بیش از ۴ دلار و گازوئیل به بیش از ۵.۲۰ دلار در هر گالن، تحولات جدیدی در راه است که پیامدهای آن بخش‌های مختلف جامعه مصرف‌کننده آمریکا، از کشاورزان و شهروندان گرفته تا شرکت‌ها، را تهدید می‌کند. براساس گزارش بлумبرگ، توانایی بازار برای یافتن جایگزین برای تأمین نفت به شدت کاهش یافته است. بسته شدن تنگه هرمز، بخش عمده انتقال نفت از این آبراه راهبردی را متوقف کرده و محاصره دریایی کشتی‌های سعودی در باب‌المندب نیز مسیر جایگزین صادرات حدود ۵ میلیون بشکه نفت روزانه عربستان را مسدود کرده است. این رسانه آمریکایی اعلام کرد که آمریکا با کاهش سریع حاشیه امنیت ذخایر نفتی خود مواجه است.

از بهار گذشته تاکنون، ذخایر راهبردی نفت آمریکا ۱۱۶ میلیون بشکه کاهش یافته و اکنون تنها حدود ۶۰ میلیون بشکه تا رسیدن به حداقل تعیین‌شده از سوی کنگره فاصله دارد. همچنین، مخازن تجاری نیز به سطوح بحرانی عملیاتی نزدیک شده‌اند. این وضعیت پیش‌تر دونالد ترامپ را بر آن داشت تا هشدار دهد که ممکن است به «فاجعه اقتصادی» منجر شود؛ این اظهار نظر، ادعائی تلویحی به پیامدهای جنگ‌هایی است که از نظر نظامی، سیاسی و تجاری در جهان گشوده است. با این حال، قیمت بنزین به ۴.۱۱ دلار رسید. این در حالی است که پیش‌تر براساس تفاهمی که میان ایران و آمریکا منعقد شده بود، میانگین قیمت بنزین در آمریکا به حدود ۳.۶ دلار کاهش یافته بود.



یادداشت

اوکراین؛

شریک جدید متجاوز

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

این دیگر نه یک سوء تفاهم دیپلماتیک است و نه یک موضع‌گیری احساسی؛ آنچه از سوی دولت اوکراین علیه جمهوری اسلامی ایران شاهد هستیم، قرار گرفتن آشکار در صف دشمنان ملت ایران است. حکومتی که خود سال‌هاست با شعار دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با تجاوز از جهان طلبکار است، امروز در کنار همان جبهه‌ای ایستاده که از تجاوز، ترور و حمله نظامی علیه ایران حمایت می‌کند و حتی خود شریک جنایتکار می‌شود و با حمله به کشتی تجاری ایرانی دستش به خون شهروند ایرانی آلوده گشته است. این رفتار، اعلان رسمی دشمنی است و چه کسی است که نداند در فرهنگ سیاسی دشمنی هزینه دارد. کسانی که تصور می‌کنند می‌توانند در کنار آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران صف‌آرایی کنند و همچنان از هرگونه پاسخ و هزینه مصون بمانند، دچار خطای محاسباتی شده‌اند. تجربه گذشته نشان داده است که ایران در برابر دشمنی سازمان یافته سکوت نخواهد کرد که اگر چنین شد تبعات بدی برای امنیت ملی در پی خواهد داشت.

اوکراین باید بداند دوران بازی با کارت ایران برای جلب رضایت واشنگتن به پایان رسیده است. اگر کی‌یف گمان می‌کند با چند موضع خصمانه می‌تواند کمک‌های بیشتری از آمریکا و اروپا دریافت کند، باید این واقعیت را نیز درک کند که هر اقدام خصمانه، متناسب با خود پاسخ خواهد داشت. روابط خارجی، خیابان یک‌طرفه نیست و زلنسکی باید نقره داغ شود. پاسخ جمهوری اسلامی نیز نباید صرفاً در حد چند بیانیه و اظهار تأسف باقی بماند. دشمن زمانی دست از دشمنی برمی‌دارد که هزینه آن را لمس کند. بازنگری در همه سطوح روابط، استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی، پیگیری مسئولیت بین‌المللی مقامات اوکراینی در حمایت از تجاوز و اتخاذ تدابیر متقابل و مهم‌تر از همه پاسخ متقابل و نظامی حداقل اقداماتی است که می‌تواند این پیام را منتقل کند که ایران، میدان آزمون و خطای دولت‌های وابسته نیست.

واقعیت آن است که دولت اوکراین استقلال تصمیم‌گیری خود را سال‌هاست به حراج گذاشته و سیاست خارجی‌اش را به پیوست سیاست‌های واشنگتن و ناتو تبدیل کرده است. کشوری که خود را ابزار راهبرد آمریکا می‌کند، باید بپذیرد که در جایگاه یک بازیگر بی‌طرف یا قربانی صرف دیده نخواهد شد. انتخاب هر دولت، مسئولیت و پیامدهای آن را نیز به همراه دارد.

اکنون پاسخ متناسب نه یک انتخاب، بلکه لازمه حفظ بازدارندگی و دفاع از منافع ملی است. دشمن باید مطمئن باشد که اقدام خصمانه، بی‌پاسخ نمی‌ماند و هزینه دشمنی با ایران، بسیار سنگین‌تر از منافع خواهد بود که از آن انتظار دارد. اگر در چند ماه گذشته کشورهای حاشیه خلیج فارس تا حدودی تاوان همکاری با شیطان را داده‌اند اکنون اروپا باید این تاوان را بدهد.



حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه اعلام بیعت وفاداری دبیرکل و رزمندگان مؤمن و شجاع حزب‌الله با اشاره به پیشگامی حزب‌اللهیان در مبارزه با دشمن صهیونیستی و الهام بخشی آن برای ملت‌های آزاده جهان در راهی از ظلم استکبار جهانی، بر استمرار سیاست راهبردی ایران در دفاع از مجاهدان لبنان تأکید و خاطرنشان کردند: جمهوری اسلامی ایران حفظ تمامیت ارضی لبنان و رفع کامل و بدون قید و شرط تجاوز رژیم صهیونیستی را به عنوان شرط اول تفاهم‌نامه پایان جنگ تحمیلی با امریکای متجاوز قرار داده است.

متن کامل پاسخ رهبر انقلاب به نامه رزمندگان حزب‌الله به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...

جناب حجة الاسلام و المسلمين آقای شیخ نعیم قاسم دام عزه

دبیرکل محترم حزب‌اللهیان و تمامی فرماندهان و رزمندگان جان برکف، صبور و مقاوم حزب‌الله

السلام علیکم جمیعاً ورحمة‌الله

نامه‌ی شما برادران و فرزندانم، رزمندگان مؤمن و شجاع حزب‌اللهسرافراز که حامل پیام پایداری و استقامت برای اعتلای کلمه‌الله و باورمندی به وعده‌های قرآن عظیم و آرمانهای عزت‌آفرین امام خمینی و قائد شهید آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رضوان‌الله

تعالی علیهما بود، موجب تقدیر و تکریم است. امروز که ملت‌های جهان از ظلم و بی‌داد دولت آمریکا و صهیونیست‌های جنایتکار و نابودکننده‌ی حرث و نسل به ستوه آمده‌اند، راهی جز جهاد و مقاومت، پیش رو نمانده است و پایداری در این راه، نصرت موعود الهی را نصیب مجاهدان راه حق خواهد کرد...

وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

اکنون که حزب‌اللهیان به عنوان پیشگام گروه‌های جهادی در برابر هجوم سبغانه‌ی رژیم صهیونیستی و حامیانش، چون صخره‌ای سستبر ایستاده است، این پایداری پیامی الهام بخش برای ملت‌های آزاده‌ی جهان در جهت‌رهایی از ظلم و ستم استکبار جهانی و دست‌نشانده‌ی آن شده است. بی‌تردید بخش قابل توجهی از این دستاورد بزرگ مرهون صبوری، نجابت، فداکاری و همراهی مردم لبنان خصوصاً منطقه‌ی جنوب بوده است.

جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای خط مشی رهبر معظم و شهید انقلاب امام سید علی خامنه‌ای رضوان‌الله تعالی علیه دفاع از این مجاهدان مظلوم و مقتدر را سیاست راهبردی خود تعیین کرده، و حفظ تمامیت ارضی لبنان و رفع کامل و بدون قید و شرط تجاوز رژیم صهیونیستی را به عنوان شرط اول تفاهم‌نامه‌ی پایان جنگ تحمیلی با امریکای متجاوز

قرار داده است. صلوات و رحمت خدای متعال بر شهدا و مجروحین و خانواده‌های صبور آنان، مهاجران فی سبیل‌الله که تحمل مصائب را بر خود هموار کردند. سلام خدا بر روح ملکوتی سید الشهداء حزب‌الله و سید حسن نصرالله و همه‌ی فرماندهان سلف مقاومت و یاران شهیدش رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین که نهال مقاومت اسلامی را به درختی تنومند مبدل کردند که اصلها ثابت و فرعها فی السماء، رزمندگانی که با جهاد و مقاومت خود، عزت و سربلندی لبنان را در جهان اسلام به ارمغان آورده‌اند.

در خاتمه امیدوارم به برکت دعای خیر سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف انواع عنایات و الطاف الهیه شامل حال همه‌ی مجاهدان و شهدا و جانبازان مقاومت و مهاجران و خانواده‌های صبور آنان باشد.

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

والسلام علیکم ورحمة‌الله و بركاته
سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

رزمندگان حزب‌اللهیان در نامه خود خطاب به رهبر انقلاب اسلامی، تأکید کرده‌اند: ما از دل میدان نبردی که در آن، کارزار کربلایی خویشتن را علیه فرعون‌های زمین پیش می‌بریم، با تمام توان و استواری، دست بیعت به سوی شما دراز می‌کنیم؛ و یقین داریم که با این بیعت، در حقیقت با حضرت حجت (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بیعت می‌کنیم؛ چرا که شما به حق، نایب ایشان و حجت اوبرما در دوران غیبت کبری هستید.

متن کامل نامه اعضا و رزمندگان مجاهد حزب‌الله به این شرح است:

آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاس و ستایش خداوندی را که مؤمنان را عزت می‌بخشد و ستمگران را خوار می‌گرداند؛ همان که زندگی ما را جهاد و زمینه‌سازی (برای ظهور) قرار داد و مرگ ما را شهادت در راه خویش به دست بدترین آفریدگانش رقم زد. درود و سلام بر رسول خدا حضرت محمد (ص) و بر عترت پاک و مبارکش، و خداوند فرج شریفشان را تعجیل فرماید در حالی که ما را در خیر و عافیت باشییم.

خداوند متعال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...) النساء/ ۵۹ اما بعد...

سید ما، حضرت امام قائد و ولی فقیه، آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای عزیز و گران قدر، سلام علیکم و رحمة‌الله وبرکاته.

ما فرزندان و برادران شما، خامنه‌ایون حزب‌الله مقاومت اسلامی در لبنان، این نامه را به حضورتان می‌فرستیم، در حالی که دل‌هایمان سرشار از امید و لبریز از آرزوست که در نهایت خیر و عافیت باشید و در پناه سپر استوار و حفاظت مطمئن الهی محفوظ بمانید.

در آغاز، شهادت پدر ولی و شهیدمان را به شما تبریک می‌گوییم؛ شهادتی که با آن، دهه‌ها جهاد و رهبری را به پایان رساند؛ در حالی که علم و عمل را در وجود خویش جمع کرده بود و درهای بخشش و عطا را به عنوان فقهی عارف، اندیشمندی قرآنی

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به نامه اعلام بیعت رزمندگان شجاع حزب‌الله لبنان مطرح کردند

دفاع از مجاهدان مقتدر حزب‌الله سیاست راهبردی جمهوری اسلامی

و رهبری مسدّد گشوده بود، تا آن که همانند جدّ کزارش به دست «ملجمی‌های» این روزگار به شهادت رسید. همچنین شهادت‌ها، جراحت‌ها و فداکاری‌های برادران، خواهران، فرزندان و دختران شما از فداپایان این امت در جبهه مقاومت، به‌ویژه فرزندان سرزمین عزیزتان، ایران اسلامی، را به شما تبریک می‌گوییم و از درگاه پروردگار مسئلت داریم که شهدا را مشمول رحمت خویش گرداند، به مجروحان شفای عاجل عطا فرماید و به خانواده‌های آنان صبر و آرامش عنایت کند.

ما که همواره به مشهد مقدس مشرف شده‌ایم و از چشمه‌سار زلال ولایت در محضر امام رفوف (علیه السلام) سیراب گشته‌ایم، در حالی که پرچم حسین (علیه السلام) را با دست جهاد و زمینه‌سازی ظهور برافراشته‌ایم و از فاصله صغریا دشمنانمان می‌جنگیم. که به معنای «لَبِیک» و «هیئات» است. با دست دیگر با برادران عزیزمان، فرزندان امام رضا (علیه السلام)، فارغ التحصیلان مکتب امام خمینی (قدس سره)، دارندگان گواهی امام خامنه‌ای (قدس سره)، و برافرازندگان پرچم مبارک شما یعنی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج مقدس و هراسان شریف و آزادمای که در ایران اسلامی از نسیم خوش ولایت بهره‌مند است، مصافحه می‌کنیم؛ همانان که در ایشان عشق و ایثار امام حسین (علیه السلام)، بصیرت و فداکاری عباس، و یقین و ولایت‌مداری سلمان را مشاهده می‌کنیم.

و اینک شما امروز پرچم اسلام ناب محمدی را بر دوش می‌کشید؛ همان پرچمی که ولی شهید پس از امام خمینی عظیم‌الشأن آن را حمل کرد و همان پرچمی که روزی امام حسین (علیه السلام) در کربلا برافراشت؛ آن هنگام که تنها در برابر انبوه سپاهیان دشمن ایستاد و با زبان عزت و سربلندی فریاد زد: «به خدا سوگند، هرگز دست ذلت به شما نخواهم داد...».

ای رهبر ما، ما از دل میدان نبردی که در آن، کارزار کربلایی خویشتن را علیه فرعون‌های زمین پیش می‌بریم، با تمام توان و استواری، دست بیعت به سوی شما دراز می‌کنیم؛ و یقین داریم که با این بیعت، در حقیقت با حضرت حجت (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بیعت می‌کنیم؛ چرا که شما به حق، نایب ایشان و حجت اوبرما در دوران غیبت کبری هستید.

و با شما پیمان می‌بندیم که در همان مسیر «کرامت» به پیش رویم؛ در حالی که برای ظهور زمینه‌سازی می‌کنیم و صبرپیشه می‌سازیم. همان گونه که با ولی شهید بودیم، با شما نیز خواهیم بود؛ بی‌آن که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری بیم داشته باشیم. امانت شهدا، مجروحان، اسرا، مفقودان و خانواده‌های صبور آنان برگردن ماست و در دل‌های ما راه و رسم خامنه‌ای شهید جاری است؛ راه و رسمی که عنوان آن اقتدار، و اعتماد به خدای متعال است. و تحت رهبری شما، به اذن خدای متعال، در میدان پیش خواهیم رفت؛ در حالی که پرچم اسلام را بر اساس هدایت قرآن و عترت (علیهم السلام) بر دوش می‌کشیم و خورشید راه ما حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) است و پیشوایان ما شهدایی هستند که در این مسیر بر ما پیشی گرفته‌اند. هرگز در راه هدایت احساس تنهایی نخواهیم کرد، در حالی که کاروان‌های شهدا، مجروحان، مادران، پدران، همسران و همه فرزندان امت مقاومت و جبهه جهاد همراه ما هستند. ما تحت رهبری دبیرکل خود، جناب شیخ مجاهد نعیم قاسم (حفظ‌الله)، به پیش می‌رویم و امید بزرگ به وعده الهی درباره وراثت زمین و آشکار شدن دین خدا به رهبری منصور آل محمد (علیهم السلام) داریم و تا زمانی که آن وعده الهی تحقق یابد، از ما جز اطاعت، اراده پیروزی و عشق به شهادت نخواهید دید: (وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يُزِيلُ الْكُفْرَ). و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

فرزندان و برادران شما در حزب‌الله
مقاومت اسلامی لبنان

یادداشت

بازگشت به مذاکره یا
خرید دوباره وقت تنفس؟امیرشهبانی
روزنامه‌نگار

در روزهای گذشته انتشار برخی از گمانه زنی ها از سوی فعالین رسانه ای و منابع نزدیک به وزارت خارجه ابهامات و نگرانی ها در خصوص روند پنهان جاری که مجدداً با اوج گیری قیمت نفت و بحران پدافندی آمریکا، آنان را به سمت شروع مذاکره ای دیگر برای خرید وقت تنفس پیش برده، بیشتر کرده است. این متن ها و گمانه زنی های پیرامون آن، هرچند با ظاهری میانه رو و با سیاست «یکی به نعل و یکی به میخ» نوشته شده اند، اما در عمق خود هنوز همان ذهنیت قدیمی را بازتولید می کنند: این که می توان با واشنگتن ترامپ به توافقی پایدار رسید، بی آن که فهمید طرف مقابل فقط در زمان نگرانی، درماندگی و نیاز فوری به تنفس سیاسی به میز مذاکره نزدیک می شود. مسئله اصلی دقیقاً همین جاست؛ هنوز آن درک لازم در میان نویسندگان واقعی و دست های پشت پرده این توئیت ها شکل نگرفته که منطق حاکم بر ترامپ، منطق امتیازگیری زیر فشار است، نه منطق تفاهم متوازن.

در این چارچوب، قیاس امروز با ایستادگی چرچیل در برابر هیتلر، در برابر سیاست ماشاات چمبرلینی، صرفاً یک استعاره تاریخی نیست؛ هشدار است درباره خطر اعتماد به کسی که مذاکره را ابزار فرسایش رقیب می فهمد، نه مسیر پایان خصومت. از این زاویه، تعجب آورتر آن است که در فضای رسانه ای، گفتمانی در حال شکل گیری است که می کوشد پس از تجربه عادی سازی جنایت عظیم آمریکا در ترور رهبری، حتی امکان حمله اتمی تاکتیکی به ایران را عادی سازی کند؛ این جابه جایی زبانی، خطرناک تر از خود تهدید است، زیرا به تدریج افکار عمومی را برای پذیرش مرزهای تازه ای از خشونت آماده می کند.

در عین حال، کمتر تحلیلگری است که اکنون نپذیرد افزایش مجدد قیمت نفت، فشار بر بازار انرژی، و بحران جدی در ذخایر و چابکی پدافندی آمریکا و متحدانش، یکی از موتورهای اصلی چرخش دوباره به سمت «تفاهم» است؛ تفاهمی که بیش از آن که برای توقف رفتارهای جنایت بار طراحی شده باشد، برای خرید زمان، ترمیم توان، و مهار تبعات اقتصادی تقابل دنبال می شود. به بیان روشن تر، واشنگتن نه از سر تغییر راهبرد، بلکه از سرفرسودگی عملیاتی و بحران در اقتصاد بین المللی به سمت گفت وگو رانده می شود.

در همین بستر، گمانه زنی هایی که از سوی برخی فعالان رسانه ای نزدیک به قالیباف و وزارت خارجه مطرح شده، در این گمانه زنی ها از ماجرای تنگه هرمز تا نقش عمان و رفت و آمدهای تازه، بیش از هر چیز نشان می دهد که صحنه هنوز در مدار همان بازی پرابهام می چرخد: تنظیم مسیر، تعیین سهم، و بازتعریف امتیازها زیر سایه فشار. اما جمع بندی اصلی روشن است؛ ارسال حجم بالای لجستیک نظامی به منطقه در کنار بازسازی توان موشکی ایران و هزینه سنگین هرگونه ماجراجویی زمینی، بیش از آن که نشانه آمادگی برای توافق باشد، نشانه ورود به فاز تازه ای از تهدید و بازدارندگی است.

بازدارندگی،
پاسخ طبیعی به
جنگ افروزی

آنچه امروز در حال رخ دادن است، فقط یک مناقشه هسته ای نیست؛ یک چرخش خطرناک در منطق امنیت بین الملل است. هرچه آمریکا و اسرائیل بیشتر بر فشار، حمله و ترور تکیه کرده اند، تعداد بیشتری از تحلیلگران و چهره های امنیتی به این جمع بندی رسیده اند که ایران از منظر عقلانی، ممکن است به سمت بازدارندگی اتمی برود. این همان نقطه ای است که جنگ، به جای مهار، به موتور تولید استدلال برای بمب تبدیل می شود.

بعد از اظهارات لاوروف، اکنون رابرت مالی هم معتقد است جنگ ایران را تشویق به اتمی شدن کرده است

جنگ، تقویت کننده حامیان بازدارندگی اتمی

به سمت سلاح هسته ای برود. امروز این صدا دیگر فقط از تهران شنیده نمی شود؛ از درون محافل آمریکایی و اسرائیلی هم بلند شده است. و همین، اعترافی است به شکست راهبردی جنگی که قرار بود مانع بمب شود، اما حالا خودش بمب را به یک گزینه جدی تر تبدیل کرده است.

هرموشک، هر ترور، هر موج تحریم و هر جنگ تازه علیه ایران، به جای آن که پرونده هسته ای را ببندد، یک نتیجه معکوس تولید کرده است: افزایش تعداد کسانی که می گویند تهران پس از ۲۳ سال فشار سنگین و به ویژه پس از دو جنگ تمام عیار در یک سال اخیر، از منظر عقلانی حق دارد



محسن فرهنگد

روزنامه‌نگار

واشنگتن در قبال ایران، عملاً زنگ خطر را از داخل خود نظام امنیتی آمریکا به صدا درآورده است. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اگر هدف، عدم اشاعه بود، آمریکا به شکلی احمقانه تلاش های خود را برای رسیدن به آن نابود کرد. کنت با اشاره به تجاوز آمریکا و ترور رهبر شهید تأکید کرد که واشنگتن با این اقدام ها عملاً نشان داد استراتژی «عدم توسعه سلاح هسته ای و حفظ توان غنی سازی» برای جلوگیری از تجاوز آمریکا کافی نیست. این یعنی خود سیاستمداران و امنیتی های آمریکایی هم دارند می گویند جنگ، پیام بازدارندگی نمی فرستد؛ پیام ناامنی می فرستد. کنت حتی یک نتیجه گیری نکان دهنده تر هم ارائه کرد: اگر نام ایران را با کره شمالی عوض کنیم، به جهان ثابت کرده ایم تنها چیزی که از حمله آمریکا جلوگیری می کند، سلاح هسته ای است. آمریکا سال ها با پرچم عدم اشاعه پیش رفت، اما حالا بخشی از نخبگان خودش می گویند نتیجه برعکس شده است:

حمله به ایران،
ایده بمب را مشروع تر کرده است.

در طرف اسرائیل هم دانی سیتزینوویچ، رئیس اسبق میز ایران در سازمان اطلاعاتی آمان، در نوشته تازه اش عملاً همین شکست را ثبت کرده است. او هشدار می دهد جنگی که قرار بود مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود، ممکن است در نهایت تهران را به این نتیجه برساند که تنها راه جلوگیری از حملات بعدی، ساخت سلاح هسته ای است. این دیگر یک تحلیل ساده نیست؛ اعتراف به شکست محاسبه ای است که گمان می کرد با بمباران، تهدید و ترور می توان اراده یک کشور را برای همیشه از بین برد.

نکته تعیین کننده در تحلیل سیتزینوویچ، اشاره مستقیم او به شهادت رهبری فقید آیت الله سید علی خامنه ای است. او این رخداد را یک «اشتباه راهبردی» می داند، به بیان روشن تر، از دید سیتزینوویچ سیاست ابهام حساب شده، ایران را در وضعیتی نگه داشته بود که نه از مزایای زرادخانه هسته ای برخوردار شود و نه از امتیاز رفع تحریم ها.

ما چرا از یک تناقض عریان شروع می شود: آمریکا و اسرائیل با این ادعا به جنگ و فشار متوسل شدند که مانع دست یابی ایران به سلاح هسته ای شوند، اما هر ضربه تازه، دقیقاً همان محاسبه ای را تقویت می کند که می خواستند نابودش کنند. وقتی یک کشور می بیند مذاکره بارها به بن بست می رسد، توافقی ها یکی یکی زیر پا گذاشته می شود، وعده ها عمل نمی شود و در نهایت حمله نظامی هم روی میز می آید، طبیعی است که در ذهن تصمیم گیرانش یک پرسش تلخ شکل بگیرد: اگر بازدارندگی دیپلماتیک و ۲۳ سال خویشتنداری سخاوتمندانه ایران در موضوع هسته ای جواب ندهد، چه چیزی می تواند جلوی حمله بعدی را بگیرد؟ از منظر نظریه انتخاب عقلانی (Rational choice theory) و مدل سازی های آن، از دید بسیاری، عقلانی ترین تصمیمی که از سوی ایران می تواند برای پایان روند جنایات ترامپ و نتانیا هو و هر سردمدار جنایتکار دیگری در آمریکا و اسرائیل در برابر ایران گرفته شود، بازدارندگی اتمی است.

راب مالی، مأمور ویژه ایران در دولت بایدن، همین را بی پرده گفته است. او تصریح کرده که با توجه به حملاتی که به ایران شد، توافقی هایی که برهم خورد و وعده هایی که هیچ وقت عملی نشد، اکنون برای ایرانی ها کاملاً منطقی و عقلانی است که بخواهند سلاح هسته ای بسازند. این جمله را باید جدی گرفت، چرا که گوینده این اعتراف یکی از افراد آشنا با منطق مذاکره و سیاست فشار آمریکایی است که تا دیروز برای محدود کردن برنامه هسته ای ایران تلاش می کرد. معنای حرف مالی روشن است: وقتی امنیت یک کشور با زور سلب می شود، احتمال دارد آن کشور به سمت سخت ترین نوع بازدارندگی حرکت کند. حمله به ایران، ایده بمب را مشروع تر کرده است.

از این صریح تر، جو کنت، رئیس سابق مرکز ملی مبارزه با تروریسم آمریکا و از حامیان مهم ترامپ، در انتقاد از سیاست

ایمان صفا هم دست پیش را گرفت که پس نیفتد!

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

ایمان صفا، بازیگر متوسط الحال و میانمایه سینما و تلویزیون، اخیراً در استوری اینستاگرامش مدعی شده است که به اندازه عزاداران حوادث ۱۸ و ۱۹ دی، برای شهادی میناب، ناودنا و سربازان کشور نیز عزادار است و از تلاش برای مصادره ایدئولوژیک این قربانیان و آن شهدا هم بشدت شاک‌ی ست. با این حال، بررسی مواضع پیشین او و تقابل‌های رسانه‌ای‌اش نشان دهنده تناقضاتی جدی در این ادعاهاست

. صفا که پیش از این در برنامه «دری به روی جام» در کنار چهره‌هایی چون سعید اکبری و آزاده سدی‌ری حضور یافته و مواضع انتقادی تندی نسبت به ساختار حاکمیت داشته است، اکنون از وحدت ملی و همدردی سخن می‌گوید! این تغییر لحن ناگهانی البته، به جای آنکه ناشی از دغدغه‌مندی واقعی برای جان ایرانیان باشد، یک تاکتیک رسانه‌ای برای میرا کردن خود و جریان همسویی‌اش از مسئولیت پیامدهای حوادثی است که خود در تشدید آن نقش پررنگی داشته‌اند.

استدلال او مبنی بر اینکه «اینها همه بچه‌های ایرانند»، وقتی در کنار سابقه تقابل او با نهادهای کشور قرار می‌گیرد، از نظر منطقی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. همین‌جا نقطه بگذارید و اجازه دهید بگوییم، افرادی که پیش‌تر با کنایه و تمسخر به ساختار کشور پرداخته‌اند، نمی‌توانند امروز با تغییر رویکرد، قربانیان ناشی از همان تقابل‌ها و آشوب‌ها را بهانه‌ای برای فرار رو به جلو قرار دهند و دیگران را به مصادره ایدئولوژیک متهم کنند. در نهایت، اینگونه مواضع دوگانه، به جای التیام دردهای مردم، نشان دهنده یک بازیگری سیاسی فرصت طلبانه است.

صفا و همفکرانش نمی‌توانند یک روز با دهن کجی به حاکمیت، بستر ناامنی و حوادثی چون ۱۸ و ۱۹ دی را تشدید کنند و روز بعد، با متهم کردن دیگران به مصادره ایدئولوژیک، خود را از پیامدهای این فضا میرا جلوه دهند.

این رویکرد به شدت دوگانه مبتنی بر انسانیت و دردمندی‌های زودگذر اینستاگرامی نیست و بیش از هر چیز محاسبه سیاسی و تلاش برای حفظ منافع جناحی در شرایط بحرانی را از طرف صفا و افرادی چون او نشان می‌دهد.

برای مواجهه با پدیده شوم بلاگریسم چه باید کرد؟

چراغ سبز برای فرهنگ غربی؟

نیما تکیدو، یوتیوبر و به اصطلاح کم‌دین اینستاگرامی با حضور در ایران‌مال در حلقه هوادارانش گیر افتاد و راهی بیمارستان شد. او نزدیک به یک میلیون مخاطب در یوتوب و یک میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام دارد و شاید طبیعی و بدیهی به نظر برسد که با استقبالی اینچنینی مواجه شود. البته باید در نظر داشت که پارادایم سرگرمی در دنیا تغییر کرده و بلاگرها هم اهمیتی هم‌سنگ با بازیگران



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

پدیده تولید محتوا در یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی مرزها را درنور دیده، اما نحوه مواجهه حاکمیت‌ها با آن کاملاً متفاوت است. در کشورهای غربی، فعالیت بلاگرها و یوتیوبرها اگرچه شاید در ظاهر درگیر سانسور نباشد، اما رها هم نیست و چارچوب دقیق قانون مدیریت می‌شود تا از هرج و مرج جلوگیری گردد. در غرب، نهادهایی مانند کمیسیون تجارت فدرال آمریکا قوانین سفت‌وسختی برای تبلیغات پنهان، اسپانسرشیپ و حمایت از حقوق مصرف‌کننده دارند.

یوتیوبرها ملزم به رعایت دقیق قوانین کپی‌رایت، پرداخت مالیات بر درآمد‌های کلان دلاری و پرهیز مطلق از ترویج کلاهبرداری هستند. اگر کسی به حریم خصوصی افراد تجاوز کند، توهین نماید یا افترا بزند، دقیقاً مانند یک رسانه رسمی تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرد و باید جریمه‌های سنگین بپردازد. پلتفرم‌ها نیز با سیستم‌های قطع درآمد و محدودیت سنی، خط قرمزهای اخلاقی را دیکته می‌کنند. استدلال منطقی غرب این است: «آزادی بیان به معنای مصونیت از مسئولیت مدنی و کیفری نیست و بازار آزاد نیازمند قواعد شفاف است تا حقوق همگان حفظ شود». در مقابل، وضعیت یوتیوبرها و بلاگرها در ایران به شدت رها، ول و بدون متولی مشخص است.

ما با پدیده‌ای مواجهیم که در آن فردی بدون هیچ‌گونه نظارت، میلیون‌ها دنبال‌کننده جذب و درآمد‌های نجومی کسب می‌کند تا در عمل از چرخه مالیاتی کشور معاف شود! این فضای بی‌قانونی باعث شده تا بسیاری از بلاگرها به

سومین ساخته کاظم دانشی در دو روز پایانی هفته گذشته بیش از ۶۶ هزار مخاطب داشت و با جذب حدود ۷۵۰۰ تماشاگر بیشتر نسبت به «استخر»، عنوان پرفروش‌ترین و پربیننده‌ترین فیلم روزهای اخیر سینمای ایران را از آن خود کرد. این صدرنشین از آن جهت اهمیت دارد که «زنده‌شور» در شرایطی توانسته در رقابت با فیلمی برخوردار از ترکیب بازیگران شناخته‌شده به این جایگاه برسد که سینمای اجتماعی طی سال‌های اخیر، همواره با چالش جذب مخاطب و رقابت در گیشه مواجه بوده است. در یک سال گذشته، تنها دو فیلم «پیرپسر» و «تهران کنارت» از میان آثار اجتماعی توانسته بودند به چنین جایگاهی در جدول اقبال روزانه مخاطبان دست پیدا کنند. موفقیت «زنده‌شور» بار دیگر نشان می‌دهد سینمای اجتماعی، در صورت برخورداری از روایت و ساختاری قابل قبول، همچنان می‌تواند در صدر رقابت گیشه قرار بگیرد.



فیلم سینمایی «زنده‌شور» با عبور از «استخر» به صدر جدول فروش و جذب مخاطب سینمای ایران رسید تا پس از یک هفته صدرنشینی رقیب پربازیکر خود، معادلات گیشه را تغییر دهد.

بلاگرها را چه کسی مهار می‌کند؟

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

خبر بازداشت و پلمب کلینیک فردی که بدون داشتن تخصص در حوزه ارتوپدی و فیزیوتراپی، از طریق فضای مجازی در امور پزشکی دخالت می‌کرد و سلامت مردم را به خطر می‌انداخت، با استقبال کاربران همراه شد و نشان داد که جامعه از صیانت و حراست از سلامت خود حمایت می‌کند.

در این پرونده، دستگاه قضایی و نهادهای مسئول حوزه پزشکی به درستی و با حساسیت وارد شدند و جلوی روندی خطرناک را گرفتند. اما همین اتفاق یک سؤال جدی را پیش روی مسئولان فرهنگی کشور می‌گذارد: اگر دخالت فرد غیرمتخصص در سلامت جسمی مردم جرم و تهدید است، چرا دخالت افراد بی‌صلاحیت در سلامت روانی جامعه، این چنین بی‌پاسخ رها شده است؟

امروز بخشی از بلاگرها و چهره‌های مشهور فضای مجازی، عملاً به بازیگران بی‌رقیب عرصه فرهنگ و حتی امنیت تبدیل شده‌اند؛ افرادی که نه تخصصی در هیچ حوزه‌ای دارند و نه سواد کافی در فهم مسائل کلان کشور دارند اکنون و در شرایط جنگی و غیرجنگی مشغول موعظه، نفرت‌پراکنی، ایجاد شبهه و به خطر انداختن شریعت، امنیت و فرهنگ هستند. عده‌ای از این افراد، بی‌آنکه کوچک‌ترین مسئولیتی در قبال پیامدهای رفتار خود بپذیرند، با روان مردم بازی می‌کنند، مصرف‌زدگی را به فضیلت تبدیل می‌کنند، ابتذال را به عنوان سبک زندگی می‌فروشند، مرزهای شرعی و اخلاقی را جابه‌جا می‌کنند و در بستری که دشمن نیز سال‌هاست از آن برای تهاجم فرهنگی استفاده می‌کند، به تولید و بازتولید الگوهای مخرب مشغول‌اند.

سؤال اینجاست: مسئولان فرهنگی کجا هستند؟ چرا همان حساسیتی که در برابر تهدید سلامت جسمی مردم وجود دارد، در برابر تهدید سلامت روان و فرهنگ جامعه دیده نمی‌شود؟

سلامت فرهنگ جامعه، کمتر از سلامت فیزیکی مردم نیست. همان‌طور که نمی‌توان بدن مردم را به دست افراد غیرمتخصص سپرد، نمی‌توان ذهن، روان و فرهنگ میلیون‌ها انسان را نیز به دست کسانی سپرد که تنها تخصصشان جذب فالوئر و تبدیل ابتذال به سرمایه است. درواقع اگر برای سلامت جسمی مردم خط قرمز داریم، باید برای سلامت فرهنگی و روانی جامعه نیز خط قرمز داشته باشیم.

«زنده‌شور» صدرنشین گیشه شد